

اخلاق و معنویت در هنر و صنعت به روایت متون صنفی و فتوت

حجت الاسلام دکتر مهرداد آقاشریفیان اصفهانی^۱

چکیده

موضوع ابتناء اخلاق و معنویت بر هنر یا عدم ابتناء، از دغدغه‌های همواره جامعه دینی ما است. از این رو بازگشت و کاوش نقادانه در هویت تاریخی می‌تواند برای فهم موضوع امروز ما نیز راهگشا باشد؛ متون و آثار تاریخ و تمدن اسلامی ایرانی، شاهد صادقی بر تجلی و سریان معنویت و اخلاق در تمام عرصه‌های زندگی مسلمانان از جمله عرصه هنر و صنعت است. از جمله منابعی که آینه‌ی فکرت و سیرت اساتید هنر و صناعات است، مکتوبات و فتوت نامه‌های صنفی است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که «اصول اخلاقی و معنوی در هنر و صنعت به روایت متون صنفی چیست؟» در این مقاله به عنوان یک پژوهش کیفی بنیادین میان رشته‌ای، به روش کتابخانه‌ای از میان مکتوبات صنفی به چند مکتوب کهن اشاره کرده و علاوه بر معرفی اجمالی آن به تحلیل و تطبیق محتوای آنان پرداخته ایم و هدف اصلی این نوشتار که استخراج عناصر اخلاقی و معنوی عرصه هنر و صنعت است را پی می‌جوئیم؛ ره آورد این مقاله نیز آن است که اهل صنعت علاوه بر

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه هنر اصفهان، m.aghasharifian@au.ac.ir.

تأکید بر اصول صنفی و مهارت حرفه ای لازم یک صنف، بر عناصر معنوی در کار و پیشه خود تأکید داشته اند و کسانی که می خواستند پیشه ای، صنعت یا هنری بیاموزند ابتدا باید ادب نفس را از استاد خویش فرا می گرفتند. همچنین عناصری مانند توحید محوری؛ میراث داری پیامبران؛ سودآوری اجتماعی؛ مراعات حقوق مالی، نظام معنوی استاد و شاگردی؛ فرهنگ کار مضاعف؛ برکت کار و مال به عنوان نتیجه ارائه شده است.

▲ کلیدواژه

معنویت و اخلاق، رسائل صنفی، فتوت نامه، هنر و صنعت، توحید محوری

اگر پرسند که چند اصل است بنائی را ؟ بگو که پنج اصل است.
اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظرا از غیر برداشتن،
چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. (فتوت نامه بنایان)

▲ ۱- مقدمه

« اصل اهلّیت و شایستگی اخلاقی و معنوی » گام اول بر پذیرش شاگرد توسط استاد و عضویت در صنف «بوده؛ پیشینیان، شرط ورود فرد به صناعت و پیشه را آراستگی و ادب دانسته و تخلّق به اخلاق جوانمردی را شرط حضور وی می دانسته اند. هم چنین تعلیم و تعلّم در انتقال مهارت ها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد می رسیده نیز در گرو یافتن اهلّیت بوده است. شاگرد می بایست در دو ساحت مهارت و معنویت به تراز شایستگان رسیده به محضر استادان بار یابد. پرسش بنیادین این نوشتار این است « اصول اخلاقی و معنوی در هنر و صناعت به روایت متون صنفی چیست؟ » در این مقال بر سر آن هستیم تا از لابه لای چند متن تاریخی صنفی، اهم این عناصر و اصول معنوی را نمایانده تا توشه ای فراروی اهل هنر و صناعت فراهم آید. منظور راقم در این نوشتار، نه استقراء تام آداب، رسوم و اخلاقیات شخصی و صنفی اهل صنایع، بلکه مهمترین اصول معنوی و اخلاقی حاکم بر این عرصه است.

۲- روش تحقیق

در این مقاله به عنوان یک پژوهش کیفی بنیادین و از نوع میان رشته ای، به روش کتابخانه ای از میان مکتوبات صنفی به چند مکتوب کهن اشاره کرده و علاوه بر معرفی اجمالی آن و پدید آورنده اش به توصیف، تحلیل و تطبیق محتوای آنان پرداخته، عناصر اخلاقی و معنوی عرصه هنر و صنعت را استخراج نموده، با هدف ارائه اینکه ایشان علاوه بر تأکید بر اصول صنفی و مهارت های لازم یک صنف، بر عناصر معنوی در کار و پیشه خود تأکید داشته، کسانی که می خواستند صنعتی، هنر و پیشه ای را بیاموزند ابتدا ادب نفس و سپس ادب درس را از استاد خویش فرا می گرفتند؛ از این رو کار و هنرشان ماندگار و استوار بوده است. برای حصول به این هدف در ابتدا به پیشینه این موضوع اشارت کرده ایم؛ پس از آن به مفاهیم بنیادی چون گونه شناسی مطالعات اخلاقی، اخلاق حرفه ای و ارزش ها بنیادین در آن، فتوت، فتوت نامه و فتوت نامه های صنفی، ادب و آداب، معنای صنعت و حرفه پرداخته شده و در ادامه به هفت مکتوب صنفی اشاره شد و در گام آخر به کاوش و استخراج ۹ اصل از اصول بنیادین اخلاقی، معنوی هنر و صناعات بر اساس آن متون صنفی پرداخته ایم.

۳- پیشینه

چنان که پیش تر گفته شد در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در خصوص اخلاق صناعات و آداب حرف از دیرزمان، دانایان و اهل فن آثاری فراوان از خود برجای گذاشته اند که می توان به فتوت نامه های بنایان، آهنگران، نمد مالان، خبازان، همچنین رسائل صناعیه و معماریه، نیز آداب المشق، صراط السطور، قانون الصور، ادب القاضی، ادب الکاتب، ادب الطیب، منیه المرید و غیره اشاره کرد. این آثار در واقع منابع، مراجع و مصادر تحقیق هستند و در هیچ یک از این آثار ارزشمند و گران مایه تحلیل و تفریع و تطبیق بدین گونه که مقصود این مقاله است، صورت نگرفته است؛ در سال های اخیر نیز مطالعاتی درباره ریشه ها، منابع و اصول اخلاق در عرصه هنر و صنعت صورت پذیرفته است؛ مانند آیین جوانمردان و طریقت معماران (ندیمی، ۱۳۷۴). روش های سنتی در آموزش هنر (شریف زاده، ۱۳۷۸). آموزش در هنرهای سنتی ایران (فیزابی، ۱۳۸۷). روش استاد و شاگردی، از نگاهی دیگر (ندیمی، ۱۳۸۹).

تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی (مددپور، ۱۳۹۰)، سلوک عارفانه در سنت استاد و شاگردی فتوت نامه‌ها و تاثیر آن بر خلاقیت هنرمند (موسوی و شکیبادل، ۱۳۹۵)؛ همچنین از نگارنده تک‌نگاری‌هایی در گذشته در خصوص این موضوع نوشته شده است مانند: مبانی اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی در آفرینشگری هنری اصفهان صفوی (آقاشریفیان، ۱۳۹۱). اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری و شهرسازی (آقاشریفیان و امین پور، ۱۳۹۲)، اصول اخلاقی استادان سنتی هنر در آموزش شاگردان (امین پور و آقاشریفیان، ۲۰۱۳)، مطالعه تطبیقی اصل حیا در آموزه‌های اسلامی و معماری سنتی (آقاشریفیان، ۱۳۹۷) این تحقیقات بر پایه رویکردهای مختلف نوشته شده است؛ در مقاله پیش رو ضمن ارج نهادن به این تلاش‌ها و بهرمندی از نتایج پژوهش‌های فوق، سعی شده با رویکردی مسئله محور و بهره گیری از منابع اصیل و روش تحلیل محتوا به مسئله بنیادین و پرسش‌های دیگر، پاسخ علمی و درخور داده شود. برخی از تمایزات این اثر با آثار پیشین به شرح زیر است:

بهره مندی از متون تاریخی ایرانی اسلامی

دسته بندی موضوعی اصول

تطبیق محتوای متون در قالب عناوین

کاربردی و قابل الگودهی به هنر و حرف امروز

۴- مفاهیم و موضوعات بنیادی

در این بخش، اصطلاحات مورد نیاز، مختصر مورد توجه و تذکر قرار می‌گیرد، موضوعاتی چون: گونه شناسی مطالعات اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای، ارزش‌ها بنیادین در اخلاق حرفه‌ای، فتوت، فتوت نامه، فتوت نامه‌های صنفی، ادب و آداب، معنای صنعت و حرفه.

۴-۱- گونه شناسی مطالعات اخلاقی

از یک منظر پژوهش‌های اخلاقی را به سه بخش اصلی تقسیم می‌کنند، یک، مطالعات و پژوهش‌های توصیفی، دو، مطالعات تحلیلی یا فرا اخلاقی و سه، اخلاق هنجاری یا اخلاق دستوری؛ آنچه در این نوشتار مورد نظر است مطالعات اخلاق هنجاری است که به

هدف تعیین اصول، معیارها و روش‌های تبیین حُسن، قُبْح و درستی یا نادرستی افعال و صفات انجام می‌گیرند. موضوع چنین مطالعه و پژوهشی، افعال اختیاری انسان (از جمله فعالیت‌های اقتصادی و حوزه کار و همچنین سازمان) است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

۴-۲- اخلاق حرفه‌ای

هنگامی که در دانش اخلاق هنجاری از چالش‌ها و معضلات اخلاقی‌ای شاغلین در فنون و حرفه‌ها بحث می‌شود اخلاق حرفه‌ای شکل می‌گیرد. این دانش به دنبال تبیین مبانی، الزامات و مسئولیت‌های سه گانه: ۱. فرد در قبال خود و دیگران در زندگی شخصی. ۲. در قبال خود و دیگران در زندگی شغلی. ۳. صنف و سازمان در قبال محیط بیرونی و برون‌ی است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷)

۴-۳- اصول اخلاقی و ارزش‌ها بنیادین در اخلاق حرفه‌ای

اصول، بر وزن فُعُول، جمع اصل است و به چیزی گفته شده که چیز دیگری بر آن بنا و استوار می‌شود، در کتب اصطلاح شناسی، اصل را در یکی از پنج معانی آورده اند: در برابر فرع، به معنای دلیل، به معنی راجح و ظاهر، به معنی قاعده و به معنی اصول عملیه. (ولایی، ۱۳۸۰: ص ۹۴). اصول اخلاقی، همان صفات اخلاقی است که دارای، مبانی، اصول موضوعه و زیرساخت‌های معرفتی و بنیادینی است. منظور از اصول اخلاقی معنوی، صفات، ارزش‌ها و فضائل اخلاقی است که نماد تزکیه باطنی اهل صناعت است و نه صرفاً مهارت‌های ظاهری حرفه‌ای.

در اندیشه متفکران اخلاقی می‌توان ارزش‌هایی را به عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای در هر سه ساحت فوق کاوش نمود از جمله: امانتداری، خدمتگزاری، مسئولیت پذیری، انضباط کاری، پیگیری، مهرورزی، رفق و مدارا، خوش رفتاری، فروتنی، بردباری، داد ورزی، نفی خودکامگی (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۸۵)؛ رقابت طلبی، صداقت، احترام به دیگران، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، عدالت و انصاف، همدردی، وفاداری (امیری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)

۴-۴- فتوت

فتوت مفهومی است چند بُعدی و سیال که در بستر فرهنگ اسلامی- ایرانی جریان داشته است؛ فتوت در لغت، جوانمردی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۶۹۷۴)؛ در قرآن، حضرت ابراهیم (انبیاء: ۶۰) و اصحاب کهف، (کهف: ۱۳) مصداق فتیان (اهل فتوت = جوانمردان) دانسته شده اند. احادیث فراوانی در باره فتوت در منابع روایی اسلامی وجود دارد. (مانند صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۹۴)؛ در عرفان نظری، «فتوت» فن پنجم از فنون تصوف است. (دامادی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷)؛ از حیث تاریخی، راه، رسم و آیینی خاص است که از قرن‌ها پیش، در میان مسلمانان و خصوصاً ایرانیان طرفدار داشته است. (محبوب ۲۰۰۰م، ص ۲۹۱) فتوت، در میان مسلمانان خاصه شیعیان، مجموعه‌ای از فضایل به ویژه بخشش، مروت و شجاعت است که فتیان با این ویژگی‌ها از دیگران ممتاز می‌شدند، سپس به صورت گروه اجتماعی خاصی درآمدند که نقش بسیار مهمی را در روابط اجتماعی برعهده داشتند و این گروه با شعار بخشندگی، کارسازی و دستگیری از مردم و با آداب خاص این آیین را به کار می‌بستند. آنها به استناد قول «لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَفَّارِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۲۵۹)، سیره و روش امام علی (علیه السلام) را الگو و سرمشق خویش ساخته بودند. فتوت را سه مرتبه گفته اند: اول، «سَخَا» که هرچه دارد از هیچکس و ندارد، دوم «صَفَا» که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر «وفا» است که هم با خلق نکه دارد و هم با خدا. در عقیدت اهل فتوت، حضرت ابراهیم خلیل الله اول نقطه دایره فتوت و ابوالفتیان است و سند اهل فتوت به علی ابن ابی طالب (علیه السلام) منتهی می‌گردد. (فیزابی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). سرچشمه فتوت، تعالیم توحیدی و اخلاقی انبیا است. (ناظمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱)

بدان ای جوانمرد که فتوت صرف کردن وجود است یا در اطاعت حق، یا در راحت خلق... فتوت بر سه قسم است: اول نگاه داشتن فرموده خدای تعالی، دوم نگاه داشتن سنت مصطفی (صلی الله علیه و آله) و سوم صحبت کردن با اهل خدا... و در حقیقت فتوت آنست که هر چه جز حق باشد ترک گوید... بدان که اصل فتوت ایثار است و این طریق جز با ایثار راست نیاید. (خانمحمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

۴-۵- فتوت نامه

فتوت نامه نوشته‌هایی در باب فرهنگ و آداب جوانمردان است. (افشاری، ۱۳۸۲، ص ۱). بسیاری از بزرگان آثاری در فتوت به نظم و نثر، فارسی، عربی و ترکی فراهم کرده اند. افکار و آداب جوانمردی یک نوع حکمت عملی برای عموم مردم است؛ ابو عبدالرحمن نیشابوری، ابن معمار بغدادی، کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، شمس الدین آملی، شهاب الدین سهروردی، درویش علی کرکهری، نجم الدین زرکوب، علاءالدوله سمنانی، سید علی همدانی، ملا حسین کاشفی، نویسندگان مهم‌ترین فتوت نامه‌ها هستند. (کربن، ۱۳۸۳، ص ۲۰)

۴-۶- فتوت نامه‌های صنفی

در سده‌های گذشته، بسیاری از اصناف پیشه‌وران خود را به شاخه‌ای از فتوت منسوب داشتند؛ رساله‌های اصناف نشان می‌دهد که جوانمردی پیشه‌وران، صبغه زهد و تصوف داشته است و همین نکته است که جوانمردی پیشه‌وران را از جوانمردی عیاران و سپاهیان جدا می‌کند. (افشاری، ۱۳۸۴، ص ۷۱)؛ فتوت نامه چیت‌سازان، آهنگران، سلمانیان، سقایان، قصابان، طبّاخان از جمله ی این‌گونه فتوت نامه‌ها هستند. (ناظمی، ۱۳۸۹، ص ۲۴)

۴-۷- ادب و آداب

واژه ی « ادب » در لغت به معانی فرهنگ، پرهیخت، دانش، هنر، حُسن معاشرت، شیوه پسندیده، آرم، بزم آراییی با سخن آمده و جمع آن «آداب» است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۵۵۷) آداب، عادات و رسوم و روشهای نیکورا گویند. (عمید، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹) واژه ادب در معانی مختلفی چون ادب درس و ادب نفس به کار می‌روند. ادب نفس، همان اخلاق حسنه است. ادب نفسی یا ادب طبیعی، معنایی از آداب که در ترکیباتی همچون آداب و رسوم، آداب الصلوه، آداب المتعلمین و امثال آن به کار می‌رود. ادب نفس، تهذیب نفس یا کمال نفسانی و اخلاقی و آراستگی به صفات پسندیده و اخلاق حمیده است که در حقیقت باید هدف و نتیجه ادب اکتسابی باشد. (حافظی، ۱۳۷۰)

۴-۸- معنای صنعت و حرفه

صناعت، نوعی دانایی و توانایی است و بر مطلق پیشه، هنر، حرفه و کار دلالت دارد. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳۲ / مدخل حرف صاد) چنانکه، پیامبران نیز صاحب صنعت به شمار می‌آمدند، زیرا دارای صنعت هدایت بودند. معنای صنعت طیف وسیعی از نبوت، حکمت و خلافت تا آهنگری را شامل می‌شود. البته صنایع دارای سلسله‌مراتب‌اند که از مراتب اشرف آغاز شده و به مراتب اخس و پایین می‌انجامند. تلقی‌ای که در حکمت اسلامی نسبت به صنایع وجود دارد، این است که هیچ‌یک از صنایع حاصل دست بشر نیستند، بلکه منشأ آسمانی دارند. (پازوکی، ۱۳۸۹، ص ۳۴)

۵- مکتوبات صنفی

در این مجال، راقم از میان مکاتیب گوناگون که از قرن دوم تا دوازدهم گسترده شده به چند مکتوبه شاخص بسنده کرده و علاوه بر معرفی اجمالی آن و پدید آورنده اش، گزارشی مختصر از محتوای آن را تقدیم می‌کنیم.

برخی از مکتوبات صنفی از قرن ۲ تا ۱۲ هجری شمسی

نام رساله	سده	رویکرد
ادب القاضی رهاوی	۲	اخلاقی - فقهی
ادب الطّیب	۳	پزشکی - اخلاقی
آداب المعلمین	۳	فقهی - اخلاقی
الرسالة المفصلة لأحوال المعلمین و المتعلمین	۵	فقهی - اخلاقی
آداب المتعلمین	۶	فقهی - اخلاقی
تعلیم المتعلم	۶	فقهی - اخلاقی
فتوت نامه آهنگران	۸-۹	تاریخی - اخلاقی

نام رساله	سده	رویکرد
رساله چیت سازان	۸-۱۰	تاریخی- اخلاقی
صراط السطور	۹	هنری- اخلاقی
فتوت نامه سلطانی	۹	تاریخی- اخلاقی
فتوت نامه بتّیان	۹-۱۰	تاریخی- اخلاقی
رساله خبازان، رساله کرباس بافان، رساله قصابان	۹ به بعد	تاریخی- اخلاقی
آداب المشق	۱۰	هنری- اخلاقی
قانون الصور	۱۰	هنری- اخلاقی
منیه المريد في آداب (ادب) المفيد والمستفيد	۱۰	فقهی- اخلاقی
رساله حمامیان و سلمانیان	۱۰ به بعد	تاریخی- اخلاقی
رساله نمد مالان	۱۰-۱۱	تاریخی- اخلاقی
رساله صناعیه	۱۱	فلسفی
رساله معماریه	۱۱	تاریخی- اخلاقی
رساله شاطران ^۱	۱۱	تاریخی- اخلاقی
خلاصه الحکمه	۱۲	تاریخی- پزشکی

۵-۱- رساله یافتوت نامه آهنگران

رساله آهنگری یکی از رسالاتی است که ناظر بر اعمال و رفتار جوانمردان در این صنف است این رساله به صورت سؤال و جواب است. تاریخ تدوین آن پس از قرن هشتم است. و از حیث مطالب و مضامین شباهت زیادی به فتوت نامه چیت سازان دارد. این رساله به شکل پرسش و پاسخ تدوین شده است و بعضی از آیات همان آیاتی است که در رساله چیت سازان

۱. برای آشنایی با رسائل قریب، خبازان، کرباس بافان، قصابان، حمامیان و سلمانیان، نمد مالان، شاطران رک. مهران افشاری، و مهدی مدائنی، چهارده رساله.

آمده است. همانطور که در رساله چیت‌سازان چهار پیر شریعت (آدم، ابراهیم، موسی، محمد) و چهار پیر طریقت (جبرائیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل) و چهار پیر حقیقت (پدر، معلم، استاد، پدر همسر) و چهار پیر معرفت (عطار، حافظ، شمس تبریزی، مولوی) گفته شده در رساله آهنگران هم چهار پیر شریعت (همان چهار پیغمبر) و چهار پیر طریقت (خواجه محمد یسومی، علی بن موسی الرضا، شاه ناصور، شیخ فرید شکر گنج) و چهار پیر حقیقت (جبرائیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل) و اما پنج پیر معرفت (شاه قاسم انوار، شمس، عطار، سعدی و حافظ) و چند نیم پیر بر شمرده است. همچنانکه رساله چیت‌سازان به حضرت علی بن موسی الرضا نسبت داده شده است، رساله آهنگری هم حضرت ثامن الائمه را یکی از چهار پیر طریقت این صنف دانسته است. (افشار، ۱۳۸۹، ص ۱۱)

۵-۲- رساله صراط السطور

رساله منظومی است در قالب مثنوی از نظام الدین سلطانی معروف به سلطان علی مشهدی (۸۳۹-۹۲۶ ق) ملقب به «سلطان الخطاطین». وی از خوشنویسان ایرانی و از معروفترین نستعلیق‌نویسان قرن نهم و دهم ایران است. وی با بیانی دلکش، تأکید می‌کند که هنرمند باید به صفات اخلاقی و معنوی برجسته‌ای آراسته باشد و کسی که دل را از صفات رذیله تهی می‌کند، پاکی ضمیرش، سرچشمه‌ی زاینده‌ی هنرش می‌گردد. وی از پیروان این نظر است که هنرمند نباید هنر را هدف بپندارد، بلکه باید از آن به سان نردبانی برای رسیدن به حقیقت و تعالی بهره‌جوید، چه هنرممکن است خود حجابی در برابر دیدگان و سبب غرور و نخوت هنرمند شود. (قلیچ خانی، ۱۳۸۴)

۵-۳- رساله یافتوت نامه سلطانی

جامع‌ترین و مفصل‌ترین فتوت‌نامه منشور فارسی، فتوت‌نامه سلطانی از حسین واعظ کاشفی سبزواری (۸۴۰ ق-۹۱۰ ق) است. این فتوت‌نامه شامل یک مقدمه و هفت باب است: (۱) در بیان منبع و مظهر فتوت و معنی طریقت و تصوف و فقر. (۲) در بیان پیرو مرید و آنچه تعلق بدان دارد. (۳) در بیان نقیب و پدر عهدالله و استاد شد و شاگرد و بیعت شد و

شرایط و آداب و ارکان آن. ۴) در بیان خرقة و سایر لباس‌های اهل فقر و پوشیدن و پوشانیدن آن و رسانیدن خرقة به مریدان و شرایط آن. ۵) در آداب اهل طریق. ۶) در شرح حال ارباب معرکه و سخنانی که بر آن مترتب باشد و آداب اهل سخن. ۷) در بیان اهل قبضه و حالات ایشان. (افشاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۲۵۷)

۵-۴- رساله چیت سازان

این مکتوب که به نام‌های رساله یا فتوت نامه چیت سازان (قلمکاری) شناخته شده است به روش پرسش و پاسخ در چهار بخش تدوین شده است. در بخش اول متنی است منسوب به امام جعفر صادق (علیه السلام) در رسوم مربوط به ورود به مسلک و صنف. در رساله تمام مراحل رنگ کردن پارچه‌ها، از ورود به کارخانه، جوشاندن کرباس و زاج آب کردن تا پایان آن، همراه با خواندن آیات و ادعیه همراه بوده است و این فعالیت و یا شغلی که همراه با جنبه‌های ذوقی و زیبایی شناسانه است، با جنبه عبادی و اخلاقی همراه بوده است. در این صنف دوازده استاد وجود دارد که رمز این عدد نشانه ایست از پیروی آنان از دوازده امام. این دوازده استاد به سه دسته تقسیم میشوند و برای آن چهار پیر شریعت، چهار پیر طریقت و چهار پیر حقیقت قائل میشوند، به طوری که هنر چیت سازی، هنری دنیوی شمرده نمی‌شود و بدون شناخت مبانی معنوی آن، نوعی شرک تلقی میگردد. در این رساله تمامی احکام و آداب و رسومی که شاگرد باید بداند و انجام دهد ذکر شده است. (موسوی، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

۵-۵- رساله حقایق الصنایع یا رساله صنایع

رساله فارسی معروف به «صنایع» است که به عنوان «حقایق الصنایع» نیز شهرت دارد. این اثر مهم‌ترین نوشته مولانا محمد باقر میرحسینی فندرسکی مشهور به میرفندرسکی (۱۰۱۹-۹۴۲ شمسی)، عارف، حکیم و از استادان بنام مکتب اصفهان در دوره صفوی است. جناب میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق در موضوع صنایع و مشاغل و حرف را با زبانی روشن و فصیح آمیخته با آیات و احادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است. (زادهوش، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵)

۵-۶- رساله آداب المشق

رساله‌ای در آداب خوش‌نویسی و قواعد و قوانین کتابت قلم نستعلیق به زبان فارسی، از باباشاه اصفهانی خوش‌نویس نامور ایرانی قرن دهم هجری (فوت ۹۹۶ ق) است. این رساله شامل یک دیباچه و ۶ فصل است. فصول ششگانه آن عبارت است از بیان صفات کاتب، بیان اجزای خط، تعریف مشق و آداب آن، بیان شیوه تراشیدن قلم، آداب ساختن مرکب، چگونگی رنگ‌آمیزی کاغذ و آهار و مهره کردن آن. (سمسار، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵)

۵-۷- رساله یافتوت نامه بنایان

این رساله متعلق به سده‌های ۹ یا ۱۰ هجری باشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۱) این اثر یکی از مصادر مهم در تبیین و استخراج اخلاق حرفه‌ای صناعات خصوصاً معماری است. (آقاشریفیان، ۱۳۹۱). این فتوت نامه در دو بخش تدوین یافته است، نخست اصول و کلیاتی به‌طور عمومی و دوم همان اصول به‌صورت پرسش و پاسخ؛ مقولات بخش اول دوازده مورد و عموماً تأکید بر فضائلی چون ایثار، تواضع، امن، صدق، وفا از جانب اهل این حرفه است. در قسمت دوم، امور ارشادی این طایفه مطرح گردیده و سخن از پیران و مرشدان رفته که انبیاء در رأس و سپس امامان مذهب شیعه قرار دارند. (خانمحمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۰). صفت حیا در این رساله دارای بسامد معنا داری است. (رک. آقاشریفیان، ۱۳۹۷)

۶- اصول بنیادین اخلاقی- معنوی هنر و صناعات

۶-۱- توحید محوری

در بینش توحیدی و سبک زندگی دینی، اصلی‌ترین موضوع توجه به ساحت ربوبی و اصالت آن است؛ هنر، استعداد، مال، پیشه و تنومندی، توانمندی، همگی مواهب و الطاف حضرت حق بر انسان‌ها و امانت‌های الهی هستند؛ کار و تلاش اقتصادی و خدماتی به عنوان یک سلوک دینی و وظیفه الهی شمرده شده است. اشتغال به اذکار و اوراد، توسل به اسماء حسنا، حق، ذکر و یاد کرد و مدد خواهی از اولیاء دین، نیز از مصادیق بارز همین توحید محوری است.

در فتوت نامه بنایان توصیه فراوان به التزام بر او را و خاصه ذکر آیات قرآن شده است و این از مصادیق توحید محوری است:

اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۱. ... و اگر پرسند چون قالب بدست گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی: «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى»^۲ «الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى»^۳ «ان جاء [ه] [الاعمی]»^۴. و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاق ها راست کنی چه گویی، بگو: «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۵ «و اغفر لنا انک علی کل شیء علیم» و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا»^۶ ... و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی چه خوانی، بگو: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۷ الحمد لله رب العالمین. (خانمحمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

در وصف یکی از بارزترین هنرمندان و معماران اسلامی^۸ نوشته اند:

با خود اندیشیدم که نزدیک حضرت آقا روم و نظر کنم که اکنون در چه کار است ... سجاده اش پیش چشمه ی جامعه شریف گسترده دیدم ... از سرتواضع و خوار خویشتنی، در کنار سجاده بر خاک بنشسته بود. سبجه ای^۹ به دست راست داشت و چوب خطی به دست چپ. با دست راست بی وقفه سبجه می چرخاند و با هر دانه ذکر، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، بر زبان می راند. گاه بر اطراف نظرمی کرد و بنایان احوال کار را به کار می فرمود و برایشان بانگ می

۱. و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. (نجم: ۳۹)

۲. جز نگویند بخت ترا ازین مردم [در آن در نیاید. (لیل: ۱۵)]

۳. همان که تکذیب کرد و رُخ بر تافت. (لیل: ۱۶)

۴. که آن مرد نابینا پیش او آمد (عبس: ۲)

۵. می گویند: پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای، که تو بر هر چیز توانایی. (التحریم: ۸)

۶. آن گاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود. (زلزله: ۱)

۷. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. (مؤمنون: ۱۴)

۸. محمد بن عبدالمعین معروف به محمد آقا، یکی از بزرگترین معماران دوره عثمانی و سازنده ی مسجد سلطان احمد در استانبول (مسجد کبود) است

۹. تسبیح

زد و برچوب خطی که به دست چپ داشت نشان می‌نهاد (جعفرافندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). در فتوت نامه آهنگران نیز بیان همین مضمون و تأکید بر ذکر در هر موقعیتی، آمده است: سؤال، اگر ترا پرسند برای دم نشینی چه می‌خوانی؟ جواب، بگویم «بسم الله الرحمن الرحيم، فتبارک الله احسن الخالقين، الحمد لله رب العالمين»... سؤال، اگر ترا پرسند دوم پوست الورا می‌گیری چه می‌خوانی؟، جواب، «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا»^۱، سؤال، اگر ترا پرسند وقتی که انبر را به دست می‌گیری چه می‌خوانی؟، جواب بگو: «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ»^۲... سؤال، اگر ترا پرسند وقتی که آهن را کشیده برسدان می‌نهی چه می‌خوانی؟ جواب بگو: «أَنْ اتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»^۳... سؤال اگر ترا پرسند که فتکه به دست می‌گیری چه می‌خوانی؟ جواب بگو: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ»^۴ (افشار، ۱۳۸۹).

۶-۲- معنویت و اخلاق در هنر و صنعت

درگشت و گذاری در مکتوبات پیشینیان، خواننده با عنصر پذیرفته شده همسری و همراهی مهارت و معنویت در اندیشه ایشان و بلکه تقدم معنویت بر مهارت پی می‌برد؛ چنانکه در فتوت نامه بنایان شرط اول قدم را حیا دانسته می‌خوانیم: بخصوص بنایان را [صفت حیا] بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران بیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه بیند چشم پوشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴). تاریخ هنرهای سنتی، در ابعاد گوناگون آموزش، طراحی و اجرا، نشانگر آمیختگی معنویت و اخلاق با هنر و مهارت است. همچنین با بررسی اصول حاکم بر هنر اسلامی خصوصاً معماری، به وضوح می‌توان تجلی صفت حیا را در ساحت‌های سازنده، سازه، مصرف کننده، مشاهده کرد. (رک. آقاشریفیان، ۱۳۹۷)

۱. روزی که در «صور» دمیده شود، و گروه گروه بیاید (نبا: ۱۸)

۲. آتشی افروخته خدا [بی] است. (همزه: ۶)

۳. از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن، (نحل: ۱۲۳)

۴. همو که برایتان در درخت سبزم آفرینان که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می‌افروزد. (یس: ۸۰)

نصرآبادی درباره ی استاد علی اکبر اصفهانی، معمار مسجد امام اصفهان، می نویسند:
استاد علی اکبر معمار باشی اصفهانی، مرد کدخدایی در نهایت آرامی و صلاح و
درویشی است. مسجد جمعه کبیر واقع در میدان نقش جهان به معماری او به اتمام رسید.
(نصرآبادی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۸)

بابا شاه در آداب المشق چنین می نگارد:

در بیان آنکه کاتب را از صفات ذمیمه احتراز می باید کرد زیرا که صفات ذمیمه در نفس
علامت بی اعتدالی است و حاشا که از نفس بی اعتدال کاری آید که در او اعتدال باشد؛
از کوزه همان برون تراود که در او است. پس کاتب باید که از صفات ذمیمه به کلی منحرف
گردد و کسب فضائل حمیده کند تا آثار انوار این صفات مبارک از چهره شاهد خطش سرزند
و مرغوب طبع ارباب هوش افتد. (خروش، ۱۳۸۰، ص ۶)
در فتوت نامه بنایان آمده:

اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آنکه هر صبح که
برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دوم، هر کس را
در خور حوصله و توانائی کار فرماید. سیم، با سخاوت و خیر باشد، چهارم در کار خود استاد
باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق
نیکو پیش آید. ششم تنگ حوصله نباشد، هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری گران و زیر
دستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آنکه در کار
خود چست و چالات باشد (خانمحمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

سلطانعلی مشهدی در رساله صراط السطور چنین سروده:

ای که خواهی که خوشنویس شوی خلق را مونس و انیس شوی

خطه خط مقام خود سازی عالمی پرزنام خود سازی

ترک آرام و خواب باید کرد	وین ز عهد شباب باید کرد
سربه کاغذ چو خامه فرسودن	زین طلب روز و شب نیا سودن
ز آرزوهای خویش بگذشتن	وزره حرص و آزر بگشتن
نیز با نفس بد جدال کردن	نفس بد کیش را زدن گردن

تا بدانی جهاد اصغر چیست بازگشتن به سوی اکبر چیست
 آنچه با خود روا نمی‌داری هیچ‌کس را بدان نیازاری
 دل میازار، گفتمت زنه‌ارکز دلازار حق بود بیزار
 همه وقت اجتناب واجب‌دان از دروغ و ز غیبت و بهتان
 ورد خود کن قناعت و طاعت بی‌طهارت مباش یک‌ساعت
 حيله و مکر را شعار مکن صفت ناخوش اختیار مکن
 هرکه از مکر و حيله و تلبیس پاک گردید، گشت پاک‌نویس
 داند آن‌کس که آشنای دل است که صفای خط از صفای دل است
 خط نوشتن شعار پاکان است هرزه گشتن نه کار پاکان است

اوصاف اخلاقی در آینه متون صنفی
عرصه فردی و شخصی
اخلاق فتوت و جوانمردی را آموختن
به مقتضای دانش خود عمل کردن
آرامش و اطمینان نفس
آگاهی‌های اخلاقی - مهارتی
بردباری و سلامت نفس
بزرگواری، بزرگ منش و با وقار
پاک بودن، طهارت ظاهر و طهارت باطن (مانند وضو)
عدم غفلت
توجه به دعا، ذکر و قرآن خواندن، تسبیح و ذکر خفی و جلی
حیا و عفت در نگاه و دامن
در کار خود ثابت قدم بودن

اوصاف اخلاقی در آینه متون صنفی
عرصه فردی و شخصی
فعال، چست و چابک، عدم تنبلی
مجاهده با نفس
نماز خواندن
یاد خیر و دعا برای استادان گذشته

اوصاف اخلاقی مشترک در عرصه فردی و اجتماعی (دو بُعدی)
تواضع و فروتنی
صادقانه عمل کردن
جوانمردی

اوصاف اخلاقی در عرصه اجتماعی
دوری از کبر و کینه، عجب و غرور و حسد
سخاوت و خیرخواهی
نیکو سخن گفتن و حسن خلق در برخورد با مردم، مردم داری
بردباری و عدم بی حوصلگی
انفاق و دستگیری نسبت به زیردستان و همکاران و توجه به فقرا
دروغ و فریب نداشتن
تولا و دوستی با دوستان خدا
تبرا و دوری از دشمنان خدا
عدالت ورزیدن

اوصاف اخلاقی در عرصه اجتماعی
نازل را غالب شدن ^۱
غالب را نازل بودن ^۲

اوصاف اخلاقی در عرصه سازمان و نهاد صنفی
احترام به زیردستان و همکاران
ادب داشتن نسبت به استادان و بزرگان حرفه
امر به معروف و نهی از منکر
با پیر، مرید بودن (آموزش دیدن نزد استاد)
برنامه ریزی و تقسیم کار
مرید را، پیر بودن و نظارت بر کار زیردستان
تشویق و تنبیه در کار
وظیفه (شهریه) استادان را دادن
چراغ استادان را روشن کردن
پاک نگاه داشتن دستگاه استادان

۳-۶- اصناف، میراث پیامبران و اولیا

پیشینیان براین اعتقاد بودند که تمامی پیامبران و اولیا هر کدام صاحب حرفه‌ای بوده‌اند. هر صنف، یک «ولی» داشت و رسم براین بود که وضع و ابتکار حرفه را به شخصی که معمولاً نبی، حکیم، پادشاهی مؤمن، ولی، یا یکی از صالحان بود، نسبت دهند. هنرمندان و

۱. «نازل را غالب شدن» به معنای اینکه برانسان‌های پست و فرومایه و کم‌هنر پیروز شدن و غلبه نمودن.

۲. «غالب را نازل بودن» به معنای اینکه نسبت به استاد یا انسان پُرفن و باهنر یا کسی که در معرکه پیروز شده و برتری یافته، متواضع باشد.

صنعتگران، معتقدند که اصالت حرفه از شناخت کسی که آن را پایه نهاده، محقق می‌گردد و با این شناخت برای کارآموز اطمینان خاطر حاصل می‌شود و رغبت او نسبت به آن کار افزوده می‌گردد و می‌پندارند که معرفت ولی کسب را حلال می‌گرداند. (آقاشریفیان و امین پور، ۱۳۹۲).

اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم علیه السلام خلیل بود که خانه کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند اول بنا نوح پیامبر علیه السلام بود ... اگر پرسند بزرگترین بنایان که بود بگوی که پیغامبر ما بود صلی الله علیه و آله که چون سیل بیامد و بنای کعبه بنشست حضرتش با دیگر مومنان به تجدید بنای آن اقدام نمودند و حجرا لاسود بدست خویش بر آن بنهاد... اگر پرسند کریمترین بنایان که بود بگوی علی علیه السلام بود، .. و او سرجوانمردان است و بزرگترین ایشان در مقام چنانکه حدیث در مقام اوست، لافتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار... (خانمحمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴) افندی می‌نویسد:

(استاد هنده) استادان صدف کار را گفت: ... پیراستادان سنگ کار و آنان که مساجد شریفه و جوامع لطیفه سازند، کیست؟ خود بگویم: پیرایشان شیث پیغامبر علیه السلام، پور آدم صفی الله علیه السلام است که درود خدای برایشان باد.... پیر درودگران حضرت نوح پیغامبر علیه السلام است، نخست آن که بر طریق علم حساب و جذر علم حساب نوشت، حضرت ادريس علیه السلام بوده، که علم حساب و علم نجوم تصنیف و تألیف کرد (جعفر افندی، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

اولیا و انبیا	حرفه اولیا الهی در مکتوبات صنفی ^۱
حضرت آدم علیه السلام	کشاورزی، نمد مالی و کفش دوزی

۱. در رسائل و فتوت نامه‌های صنفی ذکر شده که بسیاری از پیامبران صاحب حرفه بوده‌اند؛ ر.ک. خانمحمدی، ۱۳۷۰، صص ۱۵-۱۴؛ افشار، ۱۳۸۹، صص ۲۵-۳۰؛ جعفر افندی، ۱۳۸۹، ص ۶۵؛ مولوی، ۱۳۶۰، دفتر چهارم؛ واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، صص ۴۲۵-۴۶۸؛ کرین، ۱۳۸۳، ص ۸۷؛ در روایات اسلامی نیز صناعاتی برای انبیاء و اولیاء ذکر شده است، ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳ / ص ۱۲۰ و همو ج ۵۵ / ص ۲۷۵؛ (اشاره امیرالمؤمنین علی علیه السلام به زنبیل بافی داود نبی علیه السلام) کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵ / ص ۷۵ و همو ج ۶ / ص ۲۹۳؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۹ / ص ۳۷ و همو ج ۱۷ / ص ۴۲ (اشاره امام صادق علیه السلام به حرفه خیاطی ادريس نبی علیه السلام).

اولیا و انبیا	حرفه اولیا الهی در مکتوبات صنفی ^۱
حضرت ابراهیم علیه السلام	کشاورزی، دامداری، بنایی و نانوايي
حضرت ادریس علیه السلام	خیاطی، علم حساب و نجوم
حضرت اسماعیل علیه السلام	معماری
حضرت داود علیه السلام	زره سازی، آهنگری و زنبیل بافی
حضرت ذوالقرنین علیه السلام	سد سازی
حضرت سلیمان علیه السلام	حصیر بافی، شناخت ادویه و عقاقیر و حکومت
حضرت شعیب علیه السلام	کشاورزی، شبانی و بافندگی
حضرت شیت علیه السلام	سنگ کاری و بافندگی
حضرت عیسی علیه السلام	نجاری، کشاورزی و رنگریزی
حضرت یوسف علیه السلام	خزانه داری و کشاورزی
حضرت محمد صلی الله علیه و آله	تجارت، شبانی و کشاورزی
حضرت موسی علیه السلام	کشاورزی و کارگری
حضرت نوح علیه السلام	نجاری و کشاورزی

۴-۶- سودمندی اجتماعی

صناعت پیشه گان، انجام تولید در جهت منافع جامعه و خدمت به خلق را وجه همت خویش قرار داده بودند و لذا با بهره گیری صحیح و بهینه از امکانات جامعه، می‌کوشیدند

۱. در رسائل و فتوت نامه‌های صنفی ذکر شده که بسیاری از پیامبران صاحب حرفه بوده‌اند: رک. خانمحمدي، ۱۳۷۰: صص ۱۵-۱۴؛ افشار، ۱۳۸۹: صص ۲۵-۳۰؛ جعفرافندی، ۱۳۸۹: ص ۶۵؛ مولوی، ۱۳۶۰، دفتر چهارم؛ واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، صص ۴۲۵-۴۶۸؛ کرین، ۱۳۸۳: ص ۸۷؛ در روایات اسلامی نیز صناعاتی برای انبیاء و اولیاء ذکر شده است، رک. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۳ / ص ۱۲۰ و همو ج ۵۵ / ص ۲۷۵؛ (اشاره امیرالمؤمنین علی علیه السلام به زنبیل بافی داوود نبی علیه السلام) کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۵ / ص ۷۵ و همو ج ۶ / ص ۲۹۳؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۹ / ص ۳۷ و همو ج ۱۷ / ص ۴۲ (اشاره امام صادق علیه السلام به حرفه خیاطی ادریس نبی علیه السلام).

مراعات نفع و نیاز جامعه به احسن وجه صورت پذیرد و از سوی دیگر تأکید داشتند که هیچ کس سربار و کلّ بر جامعه نباشد.

پس واجب است بر کافه ناس که هر کس به قدر استعداد در صنعتی کوشد که نظام کل و نوع و شخص در آن است (میرفندرسکی، ۱۳۸۷، ص ۹۰)

۵-۶- بذل و بخشش و مراعات مستمندان

از صفات بارز اهل صناعات و هنر، توجه به فقرا و نیازمندان بوده است. افندی در صفت استاد خود می‌گوید:

عادت شریف وی چنین بوده است که تا مالی به دست آورد، حَبّ خدای را، نهانی بر درویشان بذل و تصدق کند. هرگز نبوده است که درهمی یا دانه ای پنهان و اندوخته و ذخیره کند و در اندیشه ی اندوختن مالی چند باشد (جعفر افندی، ۱۳۸۹، ص ۹۷).

در فتوت نامه آهنگران آمده :

.... اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب، بگو که دوازده شرایط است. ... هشتم از چهار درم یک درم به راه خدای تعالی صرف کردن (افشار: ۱۳۸۹)

۶-۶- هنر و پیشه مسیر سلوک

در منظر هنرمندان و صنعت پیشگان، کار، هدف غایی نبوده، بلکه وسیله ای برای پرورش و رشد بُعد شخصی و اجتماعی است؛ به دیگر سخن صنایع نزد اهل معرفت پیشه ای بوده است که با آن هم اشتغال به کار داشته اند و هم اینکه این پیشه و کار، راه سلوک معنوی آنان محسوب می‌شده است. پیشه این صنعتگران قبل از اینکه جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است. هنرمندان با پیشه خویش، سلوک معنوی می‌کردند. یکی از نکات مثبت در فرهنگ فتیان، ارزش دادن به کار و تلاش و مفید بودن برای جامعه و دارا بودن حرفه و صنعت نزد جوانمرد بوده است. در اینجا نیز پرتو تعالیم قرآنی، در این جریان تاریخی رخ می‌نماید. در زمانی که رواج فتوت و جوانمردی در ایران به اوج رسیده بود، در آیین فتوت هر صنف و پیشه‌ای را به تفصیل بیان کرده بودند و هر کس هم که

حرفه‌ای نداشت، هنگامی که وارد سلسله‌ی فتوت می‌شد، می‌بایست پیشه‌ای اختیار کند. (ندیمی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۸)

شخص انسان بی‌معاونت ابنای نوع و جنس خود، محال‌الوجود است؛ زیرا که هریک از اشخاص انسان محتاج‌اند به طعام و شراب و لباس... که تحصیل هریک ناچاری است؛ و تحصیل هریک را یاوران باید. (میرفندرسکی، ۱۳۸۷، ص ۸۴)

۶-۷- نظام معنوی استاد و شاگردی

در نظر پیشینیان هنر و صنعت، انتخاب استاد و پیروارسته اصلی‌ترین وظیفه شاگرد بوده، چرا که نقش استاد وارسته در تربیت مهارتی و معنوی شاگرد، بس گران و بی‌بدیل است.^۱ در فتوت نامه سلطانی آمده:

بدان که هیچ کاری بی‌استاد میسر نمی‌شود و هر که بی‌استاد کاری کند، بی‌بنیاد باشد. (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص ۹۰)

اگر پرسند که ارکان شاگردی چند است؟ بگوی چهار؛ اول، آن که مردانه شروع کند، که شروع ناکردن به از فرو گذاشتن و از راه برگشتن... دوم، چهل روز به صدق تمام خدمت کردن. سوم، دل و زبان را به هم راست کردن. چهارم، پند گرفتن و هر چه از استاد شنود، یاد گرفتن. اگر پرسند که آداب شاگردی چند است؟ بگوی هشت؛ اول، چون درآید، ابتدا سلام کند. دوم، در پیش استاد کم سخن گوید. سوم، سر در پیش اندازد. چهارم، چشم بر هر جایی نگشاید. پنجم، اگر خواهد که مسأله پرسد، اول دستوری طلبد. ششم، چون جواب گوید، اعتراض نکند. هفتم، در پیش استاد با کسی سخن سرگوشی نکند. هشتم، به حرمت تمام نشست و برخاست کند. (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص ۹۵)

۱. طرفه این که در متون دینی و مجامع روایی نیز در این باب مطالب فراوانی وجود دارد و این گواه آن است که متون صنفی بسیار متأثر از فرهنگ دینی بوده‌اند. حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: حق معلم بر تو آن است که: ۱. به او احترام بگذاری. ۲. در پیشگاه او با ادب بنشینی. ۳. به صحبت او به خوبی گوش فرادهی. ۴. در مقابل او گشاده رو باشی. ۵. با صدای بلند با او سخن نگویی. ۶. وقتی کسی از او سؤال می‌کند تو جواب ندهی و صبر کنی تا او خود پاسخ گوید. ۷. در حضور او با دیگری به گفت و گو نپردازی. ۸. نزد او از دیگری بابتی یاد نکنی. ۹. اگر کسی بدی او را می‌گوید از او دفاع کنی. ۱۰. عیب او را بیوشانی و خوبی‌های او را آشکار سازی. ۱۱. با کسی که بدخواه اوست هم نشین نگردي. ۱۲. با کسی که دوست دار اوست دشمنی نوزی. اگر چنین باشی فرشتگان پروردگار شهادت خواهند داد به این که مقصد تو خدا بوده و علم را برای خداوند و نه برای مردم آموخته‌ای. (شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۳)

صادق بیک افشار در این باره می‌سراید:

مجو تعلیم ز استادان تصویر
 که از فرزند خود دارند تقصیر
 اگر فهمت کند سستی درین فن
 بشاگردی گرای تا بمردن
 و گر گردی به آسانیش تفهیم
 حسد گردد حجاب راه تعلیم
 بود مردی نه مرد ریش و دستار
 که در قید حسد باشد گرفتار
 نمی‌گوییم که خود هرزه سپرباش
 ولی جویای مرد راهبر باش
 (دانش‌پژوه، ۱۳۴۹، ص ۱۱-۲۰)

در وظیفه استاد نیز سخن بسیار است، شهاب الدین سهروردی در فتوت نامه‌ی خویش می‌گوید:

استاد، باید همواره در اندیشه‌ی شاگرد باشد، چه او حاضر باشد چه غایب. اگر از شاگرد خطایی در فتوت سرزد، صاحب (استاد) در حالی که سروچشمش به زیر است، باید به او بگوید: این خطا و سهواً تو در وجود آمد. در هر مقام که باشی، مرا حاضر دان، که دیده‌ی دل و چشم و گوش و خاطر و همت ما سوی توست و در هر مقام که باشی، به حرکات تو حاضر و واقفیم. اگر استادی این دوستی را نداشته باشد، استاد نیست، بلکه فقط به معنای مجازی استاد است. اگر استادی نسبت به سهو خطای شاگردان بی‌اعتنا باشد، دیگر حقی بر گردن ایشان ندارد. (صراف، ۱۳۷۰، ص ۲۳۰)

۶-۸- برکت کار و مال

پیشینیان حکیم ما، بیش و پیش از انباشتن مال و افزودن نقدینگی، معتقد به برکت در کار و مال و درآمد حلال بودند و آن را از طریق تقیّد به شکرگزاری از نعمت‌های الهی

می دانستند و در پس این برکت، افزونی آرامش روحی و جسمی را جستجو می کردند. در رساله آهنگران پس از ذکر دوازده شرط معنوی و اخلاقی آهنگری در اهمیت کسب و اکتساب حلال می نویسد:

هر استادی که اینها و مسئله ها و شرایط ها را بداند (حضرت) داوود علیه السلام ... از وی راضی و خشنود باشند و هرچه از این کسب خورده باشد و یا پوشیده باشد مَمَر حلال باشد... هر استادی که از این شرائطها و این قاعده ها نداند و شرایط بجا نیارد هرچه از این کسب خورده و پوشیده باشد همه حرام باشد و پیش استادان و پیران مقدم فردا [ی] قیامت شرمنده برخیزد و همه لعنت بروی کنند و فردا [ی] قیامت سیاه روی برخیزد. هزار زنهار زنهار فضولی نکند و در خواندن و نگاه داشتن تقصیر نکند. (افشار، ۱۳۸۹)

۶-۹- فرهنگ کار مضاعف

اهل صنایع در گذشته تلاش در جهت خودکفایی و استقلال و رهایی از وابستگی را بر خود فرض می دانستند، از سوی دیگر امید، خودباوری، همت بلند و اراده قوی، استفاده از فرصت ها و سرعت مطلوب در کار، استفاده ی کامل از دانش و امکانات موجود، تلاش و جدیت در انجام کار همراه با پی گیری و استقامت، تحمل مشکلات و مشقات، باور به توان انجام کار و پرهیز از اظهار ناتوانی از صفات و مرام ایشان بوده است .

سؤال، اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب - بگو که دوازده شرایط است... دوازدهم در کار خود ثابت قدم بودن. (افشار، ۱۳۸۹)

در فتوت نامه ی های سلطانی، سهروردی و بنایان این موضوع به خوبی تبیین شده است: اگر پرسند که شاگرد از چه چیز به مطلوب رسد؟ بگوی از خدمت. اگر پرسند که بنای خدمت بر چیست؟ بگوی بر ترک راحت و کشیدن محنت. اگر پرسند که ارکان شاگردی چند است؟ بگوی چهار؛ اول، آن که مردانه شروع کند، که شروع ناکردن به از فرو گذاشتن و از راه برگشتن.... دوم، چهل روز به صدق تمام خدمت کردن. سوم، دل و زبان را به هم راست کردن. چهارم، پند گرفتن و هرچه از استاد شنود، یاد گرفتن... (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص ۹۵)

(استاد) باید شاگردان را چنان تربیت کند و آماده سازد و به کمالات رساند که اگر روزی مأموریتی یا پیامی برای شاگردان دیگر داشت، بتواند از عهده برآید؛ یعنی بداند با دیگران برحسب مقام معنویشان چه بگوید و از ایشان چه بخواهد و بداند در هر موقع و مکان چه رفتاری کند که زیبنده‌ی جوانمردان باشد. (مرتضی صراف، ۱۳۷۰، ص ۲۳۰)

اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. ... چهارم در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ... دهم آنکه در کار خود چست و چالات باشد. (خانمحمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۵)

در خصوص آداب معنوی و سلوک اخلاقی در هنر و صنعت، ده‌ها مورد خُرد و کلان دیگر هست که از لابه لای موارث فرهنگی، ادبی و هنری این کهن بوم و آیین آسمانی می‌توان دریافت کرد و خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد؛ موضوعاتی چون مراعات چارچوب‌های شرعی در هنر و صنعت، عدم سهل انگاری در امور دینی، هدفمند زیستن، توجه به کرامت انسانی، ممنوعیت تعاون بر بدی‌ها، توجه به میراث هنری، اخلاقی استادان گذشته و زنده نگه داشتن نام استادان، اداء احترام به خانه و خانواده استاد، احترام به مرقد استاد، استمداد از روح استادان، دعا و خیرات برای ایشان، همراهی استادان و شاگردان به جلسات و عظم، خطابه و زورخانه، انتقال آداب و رسوم و شعائر اخلاقی، مهارتی در قالب ضرب المثل، شعرو نثر کوتاه (سنت ترجمان)، حراست و حرمت نسبت به ابزار کار و کارگاه.

نتیجه‌گیری

در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در خصوص اخلاق صناعات و آداب حرف از دیرزمان، دانایان و اهل فن آثاری فراوان از خود برجای گذاشته‌اند که می‌توان به فتوت نامه‌های بنایان، آهنگران، نمد مالان، خبازان، همچنین رسائل صناعیه و معماریه، نیز آداب المشق، صراط السطور، قانون الصور، ادب القاضی، ادب الکاتب، ادب الطیب، منیه المرید و غیره اشاره کرد. این آثار از بهترین منابع، مراجع و مصادر پژوهش در سیره و سنت فرهنگی تاریخی ما هستند. در این پژوهش پس از توصیف مفاهیم و موضوعاتی چون فتوت و فتوت نامه‌های

صنفی، آداب، صنعت و نیز بررسی گونه‌های مطالعات اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای، با تجزیه، تحلیل و مقایسه تعدادی از این مکتوبات صنفی، اصول اخلاقی و معنوی عرصه هنر و صنعت استخراج شد. این پژوهش به این نتیجه رسید که این مصادر تاریخی و صنفی که می‌تواند برای امروز جامعه ما نقش الگو و اسناد بالادستی را ایفا کند، مبتنی و متکی بر توحید محوری و الگو برداری از پیشوایان الهی، همچنین حاکمیت معنویت و اخلاق در کار و پیشه، اهمیت سودمندی اجتماعی، توجه بذل و بخشش و مراعات مستمندان، نگاه سلوکی به هنر و پیشه، اهمیت نظام معنوی استاد و شاگردی، اصل برکت کار و مال و حاکمیت فرهنگ کار مضاعف است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. احمدیان، عبدالرسول و مهرداد آقاشریفیان، (۱۳۹۱) پیشوایان توحیدی، سرسلسله‌ی قدسی حرفه، کار و تولید، دومین همایش بین‌المللی ادیان توحیدی. بهمن، اصفهان، دبیرخانه ادیان توحیدی
۳. آزاد، میترا. (۱۳۸۴). آیین جوانمردان و آموزش سنتی معماران در ایران. مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۴. اسلامی، سید غلامرضا و کاظم مندگاری، (۱۳۸۴). آموزش معماری و تربیت معماران، مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
۵. اسلامی، محمد تقی و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). اخلاق کاربردی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. افشار، ایرج. (۱۳۸۹). «فتوت نامه آهنگران». ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت. سال ۵ شماره ۱۲ صص ۱۱-۱۲
۷. افشاری، مهران و مدائینی، مهدی. (۱۳۸۱). چهارده رساله در باب فتوت و اصناف. تهران: نشر چشمه.
۸. افشاری، مهران. (۱۳۸۲). فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. افشاری، مهران. (۱۳۸۴). آیین جوانمردی: مرام و سلوک طبقه عامه ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۰. آقاشریفیان، (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی اصل حیا در آموزه‌های اسلامی و معماری سنتی». پژوهش نامه اخلاق، سال ۱۱، شماره ۴۰، صفحه ۷-۲۶.
۱۱. آقاشریفیان، مهرداد (۱۳۹۱) مبانی اخلاق حرفه‌ای و آداب معنوی در آفرینشگری هنری اصفهان صفوی، همایش ملی هنر و تمدن شیعی، تهران، حوزه هنری
۱۲. آقاشریفیان، مهرداد و احمدیان، عبدالرسول (۱۳۹۱) اصول بنیادین حاکم بر کار و تولید، دومین همایش بین‌المللی ادیان توحیدی (کار و تولید از منظر ادیان توحیدی)، اصفهان، دبیرخانه ادیان توحیدی

۱۳. امیری، علی نقی؛ همتی، محمد؛ مبینی، مهدی، (۱۳۸۹)، «اخلاق حرفه ای؛ ضرورتی برای سازمان»، معرفت اخلاقی شماره ۴ صفحه ۱۳۷-۱۶۰.
۱۴. امین پور، احمد و مهرداد آقاشریفیان، (۱۳۹۲)، « اصول چهارده گانه اخلاق حرفه ای معماری و شهرسازی، فتوت نامه ی معماری»، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، مجله فیروزه اسلام، ش ۱، صص ۳۴۷-۳۷۴.
۱۵. پازوکی، شهرام، (۱۳۸۹). «معنای صنعت در حکمت اسلامی بر اساس رساله صناعیه میرفندرسکی» خبرنامه فلسفی سال چهارم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۵، صص ۳۹-۳۴.
۱۶. پازوکی، شهرام، (۱۳۸۹)، صنایع نزد اهل عرفان، اطلاعات حکمت و معرفت، سال ۵ شماره ۱۱.
۱۷. جعفرافندی، (۱۳۸۹). رساله معماریه. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: متن (فرهنگستان هنر)
۱۸. حافظی، علیرضا، (۱۳۷۰)، معنی ادبیات، تهران، نشر نیلوفر.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم.
۲۰. حسینی، لیلیا، (۱۳۹۰)، « اخلاق حرفه ای در آموزه های اسلامی»، ماهنامه کاروجامعه، مهر ماه شماره ۱۳۶ صفحه: ۸۱-۹۱.
۲۱. خانمحمدی. علی اکبر (۱۳۷۰). فتوت نامه معماران و بنایان. صفه، دوره دوم، (شماره پنجم)
۲۲. خروش، کیخسرو (۱۳۸۰). رساله آداب المشق منسوب به میرعماد الحسنی (باباشاه اصفهانی) تهران: مبلغان،
۲۳. دامادی، محمد. (۱۳۷۳). الادب و المروه از صالح بن جناح و مروان بن جناح، با تحقیق در فراز و فرود فتوت و جوانمردی، تصحیح و ترجمه محمد دامادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۴. دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۹) قانون الصور. ماهنامه هنر و مردم دوره ۸، ش ۹۰ (فروردین): صص ۱۱-۲۰.
۲۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران
۲۶. زادهوش، محمد رضا، (۱۳۸۱)، کتابشناسی احوال و آثار میرفندرسکی مجله آینه پژوهش مهر و آبان، شماره ۷۶، صفحه ۱۱۵ تا ۱۲۹.
۲۷. سمسار، محمدحسن، (۱۳۹۱) مدخل آداب المشق، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۲۵.
۲۸. شریف زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۷۸). « روش های سنتی در آموزش هنر». کتاب ماه هنر. شماره ۱۳ و ۱۴. صص ۱۵-۱۷.
۲۹. شریفی، احمد حسین. (۱۳۸۹). آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم: معارف
۳۰. شهید ثانی زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۳۷۶) معالم الاصول مصحح: علی محمدی دارالفکر- قم
۳۱. شهید ثانی زین الدین بن علی بن احمد عاملی، (۱۳۸۹)، منیه المرید فی آداب (ادب) المفید و المستفید مترجم سید محمد باقر حجتی با عنوان آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. صراف، مرتضی (۱۳۷۰). رسایل جوانمردان: مشتمل بر هفت فتوت نامه، تهران: معین، انجمن ایران شناسی فرانسه.
۳۴. عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۵. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۵). اخلاق حرفه ای، تهران: نشر مجنون.
۳۶. فیزایی، بهمن. (۱۳۸۷). «آموزش در هنرهای سنتی ایران: بررسی سنت های آموزشی هنروری در فتوت نامه ها»، آینه خیال، آذر و دی شماره ۱۱ صص ۱۲۸ تا ۱۳۱.
۳۷. قلیچ خانی، حمیدرضا، (۱۳۸۴)، معنویت در سروده های سلطان علی مشهدی و آسیب شناسی دانشجویان هنر، ویراستار فرهاد طاهری، مقالات اولین هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر.
۳۸. قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۴). نظام آموزش معماری در دوران پیش از مدرن بر مبنای رساله ی معماریه، هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
۳۹. کاشفی، حسین، (۱۳۵۰). فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
۴۰. کرین، هانری. (۱۳۸۳). آیین جوانمردی. ترجمه احسان نراقی. تهران: انتشارات سخن.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). اصول کافی، دارالحدیث، قم.
۴۲. مجلسی (علامه مجلسی)، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت.
۴۳. محجوب، محمد جعفر (۲۰۰۰ م). آیین جوانمردی یا فتوت، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
۴۴. مددپور، محمد. (۱۳۹۰). تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۵. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق، تحقیق احمد حسین شریفی تهران. شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۶. موسوی گیلانی، سید رضی و محمد شکیبادل. (۱۳۹۵). «سلوک عارفانه در سنت استاد و شاگردی فتوت نامه ها و تأثیر آن بر خلاقیت هنرمند». آیین حکمت، سال ۸ شماره ۲۸، صفحه ۱۹۷-۲۱۹.
۴۷. موسوی، سید رضی، (۱۳۹۰)، هنر اسلامی در آیین فتوت نامه ها با تأکید بر فتوت نامه چیت سازان، صص ۲۱-۳۴، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره پانزدهم، پاییز- زمستان، ص ۲۷.
۴۸. میر فندرسکی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۸۷). رساله صناعیه، چاپ اول، تحقیق: حسن جمشیدی، قم، مؤسسه بوستان کتاب

۴۹. ناظمی، میترا. (۱۳۸۹). «آیین جوانمردی». مجله اطلاعات حکمت و معرفت سال پنجم. شماره ۱۲ صص ۲۰-۲۶

۵۰. ندیمی، حمید. (۱۳۸۹). «روش استاد و شاگردی، از نگاهی دیگر»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی شماره: ۴۴.

۵۱. ندیمی، هادی. (۱۳۷۴). آیین جوانمردان و طریقت معماران. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم. جلد ۲. تهران، انتشارات میراث فرهنگی.

۵۲. نراقی، ملا احمد، (۱۳۷۰) معراج السعاده، تهران، جاویدان.

۵۳. نصرآبادی، میرزا محمد طاهر. (۱۳۶۱) تذکره ی نصرآبادی. به کوشش وحید دستگردی. تهران: فروغی.

۵۴. ولایی، عیسی. (۱۳۸۰)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، نشرنی، تهران.

55. AghaSharifian Esfahani, Mehrdad & Aminpoor Ahmad & Agha-Sharifian. Hamid (2013)», the ethical principles of the art Masters at the traditional Trainings of students. (Comparative study at the Epistles of Adab- al-mashgh, Memarieh, Sanaeih, Mason's Fotovat-nameh and others)». International Conference on Architecture and Built Environmen, 7th to 8th November 2013 Gombak, Kuala Lumpur, Malaysia .

